

تحلیلی بر نیازهای آموزشی کتابداران علوم پزشکی در ایران

نوشته : دکتر مهرانگیز حریری

چکیده

در برنامه‌های آموزشی کتابداران ایران، تا سال ۱۳۵۶، توجهی به تربیت کتابدار برای کار در کتابخانه‌های تخصصی نشده است. این امر ناشی از مسائل متعددی بوده که عمده ترین آن عدم توجه به نیازها و اهداف کتابخانه‌های تخصصی و سوق دادن برنامه‌ها به سوی تربیت کتابداران عمومی بوده است.

در سال ۱۳۵۶ دانشکده کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی تأسیس می‌گردد و اقدام به تربیت ۱۶ کتابدار پزشکی در سطح کارشناسی ارشد می‌نماید. ایجاد ۳۲ دانشگاه علوم پزشکی، چندین دانشکده مستقل و مراکز متعدد آموزشی - درمانی موجب می‌گردد که در سال ۷۰-۷۱ متجاوز از ۲۲/۵٪ دانشجویان و ۲۸٪ کادر آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور به گروه علوم پزشکی و بهداشتی اختصاص یابد و با احتساب متخصصان و شاغلان بیمارستانها و سازمانهای غیرآموزشی، جمعیت استفاده کننده بالقوه اطلاعات در این رشته به ۲۰۱۱۰۰ نفر برسد، و لزوم تربیت کتابدار پزشکی و برنامه ریزی منسجم در این زمینه بیشتر آشکار گردد. در برنامه کنونی آموزش کتابداری نیاز کتابداران پزشکی تا حدودی مدنظر قرار گرفته است، اما برای افزایش توانایی و کارایی آنها لازم است در برنامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد موجود، تغییراتی همسوی با پیشرفتهای جدید کتابداری و اطلاع رسانی، با توجه به مباحث جدید و نیازهای خاص کتابداران پزشکی، صورت گیرد و برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی کتابداران شاغل در قالب آموزش ضمن خدمت و آموزش مستمر تدارک دیده شود.

این مقاله راسرکار خانم دکتر مهرانگیز حریری مدیر کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران نوشته و برای فصلنامه ارسال داشته‌اند که بدین وسیله از زحمات ایشان قدردانی می‌شود.

دفتر فصلنامه

مقدمه:

کتابخانه رامی توان یک نظام ارتباطاتی (نظیر مغز بشر) دانست، نظامی که اطلاعات و دانش را ذخیره و به موقع بازیابی می‌کند. لازمه کارایی هر نظام ارتباطاتی وجود کانالی است که قادر باشد علائم پیام را از فرستنده به طور دقیق و کامل دریافت کرده، به گیرنده انتقال دهد. لازمه عملکرد صحیح کتابخانه و پویا بودن آن نیز وجود کتابداری است که قادر باشد میان فرستنده پیام، یعنی مجموعه دانش و اطلاعات ذخیره شده و گیرنده پیام - یعنی مراجعه‌کننده - ارتباط صحیح و کامل برقرار کند و برای این کار لازم است، علاوه بر داشتن مهارت‌های لازم، بازبان فرستنده و گیرنده پیام آشنایی داشته باشد.

اصولاً "در پزشکی از دیرباز وجود کتب و نشریات برای استفاده دانشجویان، پزشکان و سایر پژوهندگان به صورت یک نیاز مطرح بوده است. تا قرن نوزدهم، مجموعه‌های کوچکی که موجود و قابل دسترسی بود، به وسیله کسانی اداره می‌شد که با حرفه پزشکی سروکار داشتند و بازبان این علم آشنا بودند. در نیمه دوم قرن نوزدهم که کتابهای زیادی در زمینه پزشکی به چاپ رسید و حجم مجموعه‌ها افزایش پیدا کرد، کتابخانه‌های پزشکی پایه عرصه وجود گذاشتند و پزشکانی که تا آن زمان عهده‌دار حفظ و حراست مجموعه‌ها بودند وظیفه خود را سنگین احساس کردند و در صدد برآمدن تا آن را به افراد دیگری محول نمایند و از همان زمان ویژگیها و قابلیت‌های چنین افرادی مطرح گردید. در سال ۱۹۲۵ بالارد ویژگیهای کتابدار پزشکی را از لحاظ فردی، ذاتی و اکتسابی چنین بیان کرد:

از ویژگیهای فردی می‌توان شخصیت جذاب، تواضع طبیعی و نزاکت را نام برد. از ویژگیهای ذاتی مطلوب می‌توان حافظه خوب، قضاوت منصفانه، توانایی

دربان، ابتکار، قدرت تجزیه و تحلیل، تغییرپذیری و قدرت اداره و اجرا بر شمرد. ویژگیهای اکتسابی خصوصياتی هستند که از طریق آشنایی با علم جدید اداره کتابخانه، دانش جامع، امانه عمیق، درمورد علوم پزشکی و علوم وابسته، کسب اطلاعات درمورد کتابشناسیهای پزشکی، قیمت‌های کلی و متوسط کتابهای علمی و پزشکی و پیاپی‌ها، و آشنایی با روشها و فنون کتابداری تخصصی به صورتی که در کتابخانه‌های پزشکی مورد استفاده، قرار می‌گیرند، حاصل می‌شوند.^۱

بالا برد ویژگی‌هایی را بر شمرد که با گذشت متجاوز از ۶۰ سال هنوز مطلوب آموزش کتابداران پزشکی است.

گسترش سریع دامنه علوم پزشکی، و به تبع آن سیر صعودی و طیف گسترده تحقیقات در رشته‌های مختلف آن، از یک سو جامعه پزشکی را که با سلامت و بهداشت تن و روان جامعه سروکار دارد ملزم به استفاده مستمر از اطلاعات تخصصی، آگاهی از فنون و روشهای جدید بهداشتی و درمانی، و بهنگام نگاه داشتن اطلاعات خویش می‌کند، و از سوی دیگر موجب رشد فزاینده حجم انتشارات و منابع اطلاعاتی می‌شود و دستیابی به اطلاعات مورد نیاز را با مشکلات فراوان مواجه می‌سازد. ضریب افزایش اطلاعات جهان که در حال حاضر برای هر پنج تا شش سال برابر ۲ می‌باشد و وجود ۵۱۸۳ بانک اطلاعاتی پیوسته در زمینه‌های مختلف دانش بشری که بخش عمده آنها در زمینه علوم و فنون هستند مبین حجم عظیم منابع اطلاعاتی موجود است. وجود حدود ۴۰ بانک اطلاعاتی معروف در زمینه پزشکی به صورت پیوسته که قابل استفاده کشورهای مختلف جهان است و پوشش تنها دو بانک اطلاعاتی آن (MEDLINE, EMBASE) که در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۸۲۳۰ عنوان مجله (۶۰۳۰ عنوان واحد با حذف تکراریها) بوده است^۲، گوشه کوچکی از دنیای گسترده و پیچیده امروزی اطلاعات و دستیابی به آن را نشان می‌دهد. کتابدار کتابخانه پزشکی بی‌شک می‌تواند در برقراری درست جریان اطلاعات و رفع مشکلات مربوط، نقش حساس و مهمی ایفا کند مشروط بر آن که قابلیت‌های لازم را برای این کار داشته باشد، و این مستلزم آن است که علاوه بر آشنایی

بازبان مراجعه کننده و زبان مجموعه، دانش و مهارت کافی برای شناخت و استفاده از منابع و برنامه‌ریزیهای ضروری متناسب با پیشرفتهای جاری حرفه را کسب کرده باشد. یکی از مسایل بزرگی که در ایران بر سر راه استفاده از کتابخانه‌های علوم پزشکی و بهداشتی قرار دارد، عدم ارتباط یا ارتباط اندک جامعه استفاده کننده و کتابدار است. استفاده کنندگان این کتابخانه‌ها که بیشتر پزشکان، متخصصان رشته‌های مختلف علوم پزشکی و بهداشتی، و دانشجویان هستند به دلیل مشغله زیاد یا عدم آشنایی با منابع کتابخانه فرصت یا مهارت لازم را برای جستجو در مجموعه و یافتن مطالب مورد نیاز ندارند و به یاری نیروی فعال و کاردان احتیاج دارند. اما این نیرو که انتظار می‌رود قادر به ایجاد ارتباط مؤثر و مفید بین نیازمراجع کننده و منابع اطلاعاتی باشد، به فرض احاطه به فنون کتابداری، به علت عدم آشنایی بازبان علم پزشکی و نداشتن آگاهی کافی در این زمینه، نمی‌تواند اطلاعات ضروری را از میان منابع و مراجع، استخراج و تجزیه و تحلیل کرده متناسب با نیاز متقاضی در اختیار وی قرار دهد. مسأله دیگر، عدم توان کتابداران آموزش دیده برای انجام فعالیتهای اطلاع رسانی پزشکی است زیرا آنها با ابعاد و انواع این فعالیتهای منابع و مراجع این زمینه، و تجهیزات و شیوه‌های جدید ذخیره و بازیابی اطلاعات پزشکی بیگانه‌اند. نبودن زبان مشترک و ناتوانی در ارائه خدمات تخصصی موجب شده تا شکافی عمیق بین استفاده کنندگان کتابخانه‌ها و کتابداران به وجود آید: استفاده کنندگان برای تأمین احتیاجات اطلاعاتی خود به منابع و مراجعی غیر از کتابداران رجوع می‌کنند و کتابداران نیرو و وقت خود را بیشتر صرف امور فنی و اجرایی کتابخانه می‌کنند و از وظیفه اصلی خویش غافل می‌مانند.

مسایل برنامه‌های آموزشی کتابداران در ایران

نگاهی اجمالی به عناوین و سرفصل دروس آموزش کتابداری در ایران در طول سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۶ نشان می‌دهد که در هیچ یک از زمینه‌های تخصصی، اقدام به تربیت کتابدار نشده است. در پنج دانشگاه و یک مدرسه عالی که به آموزش کتابداری مشغول بوده‌اند (دانشگاههای الزهراء، تبریز، تهران، شهید چمران، شیراز، و مدرسه عالی

ایران زمین) بخش ناچیزی از یک یا حداکثر دو درس اختصاص به معرفی منابع تخصصی داشته است و این تماس بسیار محدود و ناچیز دانشجویان بازار اصلی کارش نتوانسته است او را برای استفاده مؤثر از این منابع و انجام خدمات آماده کند. دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاهها که بیشتر از رشته‌های علوم انسانی جذب کتابداری شده‌اند زمینه و بنیه علمی لازم را برای کار در کتابخانه‌های تخصصی نداشته‌اند. بررسی سوابق تحصیلاتی این دانشجویان از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که فقط ۵ نفر، و به عبارتی کمتر از ۲٪ آنها، در زمینه علوم دارای سابقه تحصیلی بوده‌اند.^۳ در هیچ مقطعی از آموزش کتابداری درس یا دروسی برای آشنا کردن دانشجویان با زمینه‌های پزشکی یا علوم و فنون و یا حتی اصطلاحات و مفاهیم آنها وجود نداشته است و در نتیجه فارغ‌التحصیلان با مسایل و مباحث کلی این رشته‌ها کاملاً "بیگانه مانده‌اند. در این برنامه‌ها آموزش خدمات اطلاع‌رسانی و آشنایی با کامپیوتر هم سهم بسیار ناچیزی داشته و در نتیجه دانشجوی آموزش عملی لازم را فراموش کرده است. نیازهای ابراز شده ۱۱۵ مرکز اسناد و کتابخانه دانشگاهی و تخصصی در زمینه اخیر که ۲۱۳ فارغ‌التحصیل کتابداری در آن خدمت می‌کرده‌اند مؤید این مطلب است.^۴ به طور کلی، مسایل این برنامه‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- ۱- نیاز و اهداف کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های تخصصی، کانون برنامه‌ریزی‌ها نبوده و برنامه‌های آموزشی منحصر "به تربیت کتابدار در سطح کلی و عمومی پرداخته است.
- ۲- تأکید برنامه‌های بیشتر بر خدمات فنی و فهرست‌نویسی بوده و توازن در میزان آموزش و ساعات تدریس دروس پایه و اصلی وجود نداشته است.
- ۳- هماهنگی لازم بین آموزش، احتیاجات شغلی و نیازهای متغیر آموزشی وجود نداشته و آموزش تأمین‌کننده قابلیت‌های لازم در کتابداران کتابخانه‌های تخصصی نبوده است.
- ۴- مجریان برنامه‌ها لزوم پویایی آنها را احساس نکرده‌اند و با مقاومت شدیدی که اغلب آنها در برابر جانشین کردن مدرسان قدیم با مدرسان جدید دارای تخصص یا تجربه بیشتر و گرایش متفاوت، نموده‌اند برنامه‌ها را به حالتی ایستاد آورده‌اند.

- ۵- غالب مریان کتابداری نسبت به هرگونه حرکتی درعکس جهت خدمات و فعالیتهای سنتی مقاومت نشان داده و پذیرای آن نبوده‌اند.
- ۶- برنامه‌های آموزشی باتحولات جهانی و پیشرفتهای کتابداری و اطلاع رسانی و نیازهای ناشی ازاین تحولات همگام نبوده، و درنتیجه، مباحث مهم و کلیدی کتابداری و اطلاع رسانی مورد غفلت قرارگرفته‌است.
- ۷- بین برنامه‌ها و اهداف مقاطع مختلف آموزش کتابداری ارتباطی وجود نداشته‌است.
- ۸- توان برنامه‌های آموزشی از نظر نیروی انسانی، منابع، و تجهیزات برای تربیت کتابداران متخصص، به ویژه برای کتابخانه‌های تخصصی، بسیار کم و ناچیز بوده‌است.
- ۹- هیچ‌گونه ارزشیابی که بتواند مؤید ضرورت ادامه یا مبنای تحول برنامه‌ها باشد صورت نگرفته‌است.

پژوهشهایی که در زمینه مسایل آموزش کتابداری ایران انجام گرفته و به صورت چند پایان‌نامه و مقاله عرضه شده است تأثیر این عوامل را بر وضعیت فعلی حرفه کتابداری از زوایای متفاوت بررسی و ترسیم کرده‌است.

روند تحولات آموزش کتابداری پزشکی

۱- درجهان

اصولاً " برای آموزش کتابداری پزشکی برنامه استاندارد در سطح جهان وجود ندارد و هر کشور، یا حتی سازمان، بنابه مقتضیات خود برنامه‌هایی را تدارک دیده‌است. امریکا اولین کشوری است که ضرورت تخصیص درسهایی با تأکید بر زیست‌شناسی و خدمات اجتماعی را برای تربیت کتابداران پزشکی مورد توجه قرار داد و اولین درس ویژه کتابداری پزشکی را در ۱۹۳۹ در دانشگاه کلمبیا ارائه کرد. برنامه‌هایی که از آن پس در این باب تهیه و اجرا شد در مدارس مختلف شکل‌های متفاوتی داشت. مثلاً در ۱۱ مدرسه کتابداری دانشجو می‌توانست دروسی خارج از قلمرو کتابداری، نظیر تاریخچه

پزشکی، بهداشت عمومی، علوم پایه پزشکی، تحلیل سیستم و مدیریت، رانتخاب نماید. در سال ۱۹۷۸ مجموعاً ۷۰ درس در ۴۷ مدرسه کتابداری به کتابداران پزشکی تدریس می شد. این دروس عمدتاً عبارت بودند از: جامعه‌شناسی پزشکی، اقتصاد پزشکی، تاریخ پزشکی، ارتباطات در زمینه زیست پزشکی، کتابشناسی پزشکی، و اداره کتابخانه‌های پزشکی. از برنامه‌های دیگر این مدارس، کارورزی در کتابخانه‌های پزشکی به مدت شش ماه تا یک سال در مقطع کارشناسی ارشد و دوره‌های کوتاه مدت و آموزش مستمر برای تکنسینها و متخصصان بوده است.^۵

در آلمان، در آغاز به افرادی که در یک زمینه موضوعی نظیر زیست‌شناسی یا شیمی تحصیل کرده بودند دانش و مهارت‌های لازم در علوم اطلاع رسانی آموزش داده می شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ پلی تکنیک هانور برنامه خاصی را برای تربیت اطلاع رسانیان پزشکی به مورد اجرا گذاشت که ترکیبی از علوم زیست پزشکی و اطلاع رسانی بود. این برنامه که مدتش ۳/۵ سال بود از جانب سازمانهای پزشکی و بهداشتی با استقبال فراوان مواجه شد و چندین پلی تکنیک دیگر با استفاده از تجارب آنان برنامه‌های مشابهی را طرح کردند که اینک به مرحله اجرا درآورده‌اند.^۶

در انگلستان، در سیتی یونیورسیتی لندن برنامه‌ای با سه گرایش موضوعی - که یکی از آنها علوم زیست پزشکی و دارویی است - در سطح کارشناسی ارشد تدریس می شود. در این گرایش فقط دانشجویانی می توانند شرکت کنند که زمینه قوی در زیست‌شناسی و شیمی یا یکی از این دو داشته باشند.^۷ در کالج کتابداران ویلز نیز برنامه تربیت کتابدار علوم بهداشتی به صورت مستقل در سطح کارشناسی ارشد منظور شده است.^۸

در سایر کشورهای پیشرفته هم بنابه نیاز برنامه‌هایی چه به صورت کوتاه مدت و چه به صورت رسمی برای تربیت کتابداران و اطلاع رسانیان پزشکی وجود دارد.

سازمانهای بین‌المللی، نظیر سازمان بهداشت جهانی و یونسکو، نیز ضمن تأکید بر نیاز و موقعیتهای محلی تلاش نموده‌اند تا اقداماتی در این راستا انجام دهند. سازمان بهداشت جهانی کوشیده است تا با برگزاری دوره‌های کوتاه مدت متعدد نیاز حرفه‌ای کتابداران پزشکی برخی از مناطق را تا حدودی برآورده سازد. سازمان یونسکو در برنامه‌ای که برای تربیت متخصصان علوم اطلاع رسانی تدوین کرده زمینه‌های سنتی کتابداری را فقط

تأحد ارتباط آنها با محتوای مباحث علوم اطلاع‌رسانی منظور نموده است. در این برنامه، دروس به دو گروه پایه و انتخابی تقسیم شده‌اند که دروس اصلی عمدتاً "مربوط به اطلاع‌رسانی و دروس انتخابی شامل نظامها و منابع اطلاعاتی در چهار زمینه موضوعی، از جمله پزشکی است."^۹

اماد در کشورهای در حال رشد، وضع کاملاً متفاوت بوده است. برنامه‌های آموزشی کتابداری یا حاوی برنامه و درس خاصی برای کتابداران پزشکی نبوده و یافقط در حد پیشنهاد مطرح بوده است. بدین جهت، کتابدارانی که در کتابخانه‌های پزشکی این کشورها به کار مشغولند بیشتر دارای لیسانس علوم انسانی و اجتماعی و یا کتابداری هستند. در چنین وضعیتی کتابداران، روزانه با مسایل بسیاری مواجه می‌شوند که آمادگی و یا توانایی حل آنها را ندارند.^{۱۰}

۲- در ایران

در ایران تا سال ۱۳۵۶ برنامه مدونی برای تربیت کتابدار پزشکی وجود نداشت. در این سال دانشکده مدیریت اطلاع‌رسانی و خدمات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، که به عنوان دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در مرکز علوم پزشکی ایران تأسیس شد، با جذب دو دوره دانشجوی رشته‌های علوم (۴۰٪) و کتابداری (۲۰٪) توانست ۱۶ نفر کتابدار پزشکی در سطح کارشناسی ارشد تربیت کند. در این دانشکده، علاوه بر مراجع تخصصی علوم پزشکی و رشته‌های وابسته که به صورت جامع در ۱۰ واحد تدریس می‌شد، بخش قابل توجهی از برنامه اختصاص به دروس اطلاع‌رسانی، نظیر تکنولوژی اطلاعات، چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی، شناخت و کاربرد اصطلاحنامه، و طراحی نظامها داشت و تمام این دروس با آموزش عملی مناسب همراه بود. برنامه این دانشکده گرچه کاستیهایی داشت اما در مقایسه با برنامه‌های سایر گروه‌های کتابداری جامع‌تر بود.

در سال ۱۳۶۸ اولین دوره تربیت کتابدار پزشکی در مقطع کارشناسی ارشد بر اساس برنامه جدید مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، با افزودن پیش‌نیازهایی متناسب با این گروه، آغاز گردید. با تصویب برنامه جدید کارشناسی، تربیت کارشناس کتابداری

پزشکی نیز در برنامه این دانشکده منظور شد و در پی آن دو دانشکده مشابه در دانشگاه‌های علوم پزشکی کرمان و اصفهان به تربیت کارشناس کتابداری پزشکی همت گماشتند.

ضرورت تربیت کتابدار پزشکی

یونسکو در دستورالعملی که برای برنامه‌ریزی نیروی انسانی کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه می‌کند اولین وظیفه برنامه‌ریزان را تشریح وضعیت موجود می‌داند و توصیه می‌کند که توازن بین عرضه و تقاضای نیروی آموزش دیده مورد بررسی قرار گیرد و میزان خلاء و نیاز محاسبه شود^{۱۱}. برای پی بردن به نیاز آموزش کتابداری پزشکی در ایران، لازم است جامعه استفاده‌کنندگان اطلاعات پزشکی و سازمانهایی را که به خدمات این گونه کتابداران احتیاج دارند از نظر آماری بررسی کنیم.

از سال ۱۳۶۴ که آموزش علوم پزشکی از نظر قانونی زیر پوشش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت افزایش سریع دانشگاه‌های علوم پزشکی و تأسیس دانشکده‌های جدید ورشته‌های تخصصی، رشد چشمگیر کمی دانشجویان رابه همراه داشت. براساس آمار ۷۰-۷۱، نسبت دانشجویان و کادر آموزشی گروه پزشکی به کل رشته‌های دانشگاهی به شرح زیر بوده است:

کادر آموزشی	دانشجویان	زیمینه علم پزشکی و بهداشتی* کل گروهها نسبت علوم پزشکی به کل
۷۱۰۹	۷۷۶۶۳	
۲۵۲۰۸	۳۴۴۰۴۵	
۲۸/۲۰	۲۲/۵۷	

جدول ۱- توزیع فراوانی دانشجویان و کادر آموزشی گروه پزشکی نسبت به کل گروهها^{۱۲}

* - تعداد دانشجویان و کادر آموزشی علوم پزشکی و بهداشتی در نشریه اطلاعات کلی در مورد آموزش پزشکی در جمهوری اسلامی ایران به ترتیب ۸۵۶۵۰ و ۸۱۲۹ نفر گزارش شده که این اختلاف ناشی از زمان آمارگیری این نشریه (نیمسال دوم تحصیلی) با آمار آموزش عالی ایران (نیمسال اول تحصیلی) است.

متجاوز از نیمی از این دانشجویان (۴۳۵۹۸ نفر) در سطح کارشناسی ارشد تادکترای تخصصی مشغول به تحصیل بوده‌اند. با استفاده از آمار نیروی انسانی شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۷۰ وضعیت شاغلان بهداشتی و درمانی این وزارتخانه شامل دانشگاهها، ستاد مرکزی و سازمانهای وابسته به شرح زیر بوده است:

۱۷۹۰۴ نفر

۱۰۵۲۰۷ نفر

۷۷۹۸۹ نفر

۶۳۳۹۰ نفر

پزشک

پیراپزشک

کارکنان اداری، مالی و خدمات

مجموع شاغلان بهداشتی و درمانی در دانشگاه

مجموع شاغلان بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۲۰۱۱۰۰ نفر به این ترتیب، مشاهده می‌کنیم که با جامعه بزرگی از استفاده کنندگان اطلاعات پزشکی مواجه هستیم. از طرفی در همین سال، ۳۲ دانشگاه علوم پزشکی و دانشکده مستقل علوم پزشکی با ۱۵۳ بیمارستان آموزشی تحت پوشش آنها وجود دارد که فقط معدودی کتابدار متخصص برای ارائه خدمات در اختیار دارند. سایر سازمانهای وابسته به وزارت بهداشت (نظیر سازمانهای منطقه‌ای بهداشتی استانها، سازمان انتقال خون، انستیتو پاستور، شرکت سهامی داروپخش، سازمان تأمین اجتماعی و ...) با ۳۰۱ واحد درمانی غیر آموزشی، ۶۷ بیمارستان وابسته به سازمانهای دیگر و ۱۱۸ بیمارستان خصوصی نیز وضعی مشابه دانشگاهها، و در غالب موارد بدتر از آنها، دارند و به رغم نیاز شدید به اطلاعات تخصصی، یافاقد کتابخانه‌اند یا کتابخانه‌هایی دارند که از نظر کتابدار متخصص و خدمات اطلاعاتی بسیار کم بضاعت هستند.

تحلیل برنامه‌های آموزشی کتابداری پزشکی در ایران

ارقامی که ذکر شد نیازه برنامه ریزی منسجم برای تربیت کتابدار پزشکی و نظارت بر اجرای صحیح آن را توجیه می‌کند. هدف کلی چنین برنامه‌ای باید تربیت نیروی

باصلاحیت و پرورش تواناییهای لازم در آن برای رویارویی بامشکلات و نیازهای اطلاعاتی جامعه پزشکی ایران باشد.

در دستورالعمل یونسکو، دومین وظیفه برنامه‌ریزان آینده‌نگری ذکر شده است بدین معنی که برای جلوگیری از اشتباهات گذشته و حال باید تصویری از مسایل آینده داشت. در نظام کتابداری ما، حاکمیت کتابداری سنتی در طول متجاوز از دودهه و گرایشهای عجولانه و حساب نشده اخیر به کامپیوتر و برنامه‌نویسی نه تنها افق روشنی را ترسیم نمی‌کند بلکه دانشجویان و کتابداران شاغل را هم دچار سردرگمی و برنامه‌ریزیهای ناموفق کرده است.

برنامه‌های آموزشی ما باید با آینده‌نگری دقیق، دانشها و مهارتهای مورد انتظار رابه دانشجویان منتقل کند و سطح اطلاعات آنها را نسبت به تکنولوژیهای جدید اطلاعاتی و نحوه بهره‌گیری از آنها بهنگام نگاه دارد تا در مواقع لزوم قدرت انتخاب، ارزیابی، تصمیم‌گیری و استفاده از تکنیکها و تکنولوژیهای جدید را داشته باشند. مسلم است که تمام جنبه‌های یک آموزش مطلوب نمی‌تواند در مقطع تحصیلی واحدی گنجانده شود و باید با در نظر گرفتن هدف هر یک از مقاطع تحصیلی برنامه، هم به صورت افقی، یعنی تنوع مواد درسی و محتوای آنها، و هم به صورت عمودی، یعنی مقاطع تحصیلی، گسترش یابد. اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که چنین برنامه‌ریزیهایی باید دقیقاً مبتنی بر نیاز دانشجویان و کشور باشد نه صرفاً "بر پایه تخصص و علاقه برنامه‌ریزان و مدرسان. در برنامه کنونی آموزش کتابداری که برای سه مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تنظیم شده این نیازها تا حدودی مدنظر قرار گرفته است. برنامه جدید کارشناسی باشش شاخه که در تاریخ ۶/۸/۶۹ به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی رسید، نیاز آموزشی کتابداران پزشکی را با گنجاندن ۳۰ واحد دروس علوم پایه پزشکی و بهداشتی به منظور آماده کردن آنان برای فهرست نویسی و رده‌بندی منابع پزشکی، انتخاب منابع و مواد، استفاده از منابع مرجع، پاسخگویی به سؤالات تخصصی مرجع، و نیز دروسی در زمینه آشنایی با کامپیوتر و بانکهای اطلاعات پزشکی پیش‌بینی کرده است. اما برای افزایش کارایی آنها لازم است امکانات آشنایی با کاربریهای

نرم‌افزارهای عمومی و کتابداری، به‌ویژه نرم‌افزارهای تولید شده داخلی و نحوه استفاده از آنها فراهم آید تا در صحنه عمل با مشکل مواجه نشوند. انتظار می‌رود این مواد که همراه با دروس پایه و تخصصی کتابداری تدریس می‌شوند ضمن ایجاد زمینه علمی لازم، فارغ‌التحصیلان این مقطع را برای اداره یک کتابخانه کوچک یا متوسط پزشکی و بیمارستانی آماده سازند. در اینجا سه شرط اصلی برای موفقیت اجرای برنامه وجود دارد: (۱) پذیرش داوطلبان از رشته تجربی، (۲) ایجاد فضای آموزشی مناسب برای تدریس علوم پایه و (۳) وجود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کافی برای کار عملی.

برنامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی که در چهارگرایش در تاریخ ۶۵/۱۲/۹ به تصویب رسید بعد دیگری از تربیت کتابدار، یعنی تربیت مدیر برای کتابخانه‌های بزرگ و مراکز اسناد، رامدنظر قرار داده است. از گرایش‌های این مقطع، دوگرایش اطلاع‌رسانی و دانشگاهی با تأکید بر منابع علوم پزشکی و مسایل خاص اطلاع‌رسانی آن مناسب کتابداران پزشکی است. وجود مباحثی نظیر شیوه‌های رایج پردازش داده‌ها، پیشرفت‌های جدید تکنولوژی‌های اطلاعاتی، طراحی نظام‌های اطلاعاتی، نظریه‌ها و فرآیندهای ارتباطاتی و الگوهای مدیریتی برای تربیت هر نوع کتابدار متخصص دردوگرایش فوق ضروری است. اما کتابداران پزشکی، علاوه بر این، باید در علوم پایه پزشکی زمینه قبلی داشته باشند تا بتوانند اطلاعات رشته موضوعی خود را بر حسب نیاز گردآوری و تجزیه و تحلیل کرده در اختیار متقاضی قرار دهند؛ با ساختار رشته‌ها و حرفه‌های پزشکی، ساختار خدمات درمانی کشور و سازمان‌های تولید و اشاعه اطلاعات پزشکی و بهداشتی آشنا شوند، و در بهره‌گیری از منابع مرجع و بانک‌های اطلاعاتی پزشکی تسلط پیدا کنند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

برنامه‌های مصوب موجود به دلیل آنکه فقط بخشی از این نیازها را تأمین می‌کنند خالی از اشکال و نارسایی نیستند و مسلماً "باید تغییراتی همسو با پیشرفت‌های این زمینه پیدا کنند. اماتنها ارزیابی دقیق نتایج حاصل از پیاده‌شدن آنها- به دور از هرگونه

مصلحت‌بینی شخصی و به شرط اینکه همانگونه که هستند اجرا شوند - مبنای استوار و محکمی برای تجدید نظر مستمر فراهم خواهد کرد.

از آنجا که تغییرات عصر ما بسیار سریع و گسترده است برنامه‌های آموزش رسمی به تنهایی قادر به تأمین نیازهای حاصل از این تغییرات نیست. ارائه برنامه‌هایی در قالب آموزش ضمن خدمت و آموزش مستمر برای کتابداران شاغل ضروری است. این گونه برنامه‌ها که بر حسب نیاز و اهداف در طول مدت خاص یا به مناسبت خاص برگزار می‌شوند برای افزایش آگاهی کتابداران یا روزآمد کردن دانش آنها در زمینه منابع جدید اطلاعاتی، فنون جدید ذخیره و دستیابی به اطلاعات، تکنولوژیهای جدید پردازش و بازیابی اطلاعات و نظایر آن بسیار مفید است.

مسئله "اجرای چنین برنامه‌های متنوع و بویایی نیازمند وجود مدرسانی است که علاوه بر احاطه به مطلب، پذیرای اندیشه‌ها و تغییرات جدید باشند، با محیط و وضعیت کاری کتابداران عملاً آشنا باشند و محتوای دروس را بادرک و شناخت واقعی بافتی که کتابداران در آن قرار می‌گیرند هماهنگ کنند. شاید هم گره اصلی کار همین جا باشد.

□ منابع

- 1- James F. Ballard, "Training for Medical Librarianship," Bull Med Lib Assoc 15 (Oct.1925): 30-31.
- 2- "Overlap Study, "Profile: The Excerpta Medica Newsletter 6. no.3(1988):3.
- ۳- «طرح پیشنهادی آموزش متخصصین کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی» (تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده علوم کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، اسفند ۲۳۵۹)، ۱۹، منتشر نشده
- ۴- مهین دستمالچی، «تحلیلی بر سیستم و نیازهای آموزشی خدمات اطلاع رسانی در ایران» (پایان نامه فوق لیسانس، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده مدیریت اطلاع رسانی و خدمات پزشکی، ۱۳۶۶)، ۱۱۰-۱۲۰.
- 5- Fred W. Roper, "Library School, Education for Medical Librarianship," Bull Med Lib Assoc 67, no.4 (1979): 359-363.

- 6- T. Seegre, "Recent German Educational Trends in the Information and Documentation Field: Integrating Subject Fields into Science Programmes, "Educ for Infor 5 (1987): 172.
- 7- R. T. Bottle, "Masters' Degree Courses in Information Science, "in Curriculum Development in Librarianship and Information Science (London: The British Library, 1978), 41, BLR & DD 5439.
- 8- The Students' Guide to Graduate Studies in the UK (1989), 31.
- 9- J. A. Large, A Modular Curriculum in Information Studies by J.A. Large for the General Information Programme and Unisist (Paris: Unesco, 1987), 89, PGI- 87/WS/5.
- 10- D. M. Kulkarmi, "Education and Training for Medical Librarians in Developing Countries, "in Medical Libraries- one World: Resources, Cooperation, Services: 5th International congress on Medical Librarianship, Sep. 30- Oct. 4, 1985, (Tokyo: 1985), 375.
- 11- Unisist Guidelines for Conducting Information Manpower Survey, Vol 1: Manual (Paris: Unesco, 1986), 92
- ۱۲- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، مرکز آمار، آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ (تهران: شهریور ۱۳۷۱)، صفحات مختلف.